

به مناسبت دهه کرامت و میلاد امام رضا علیه السلام و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، مناسب است به موضوع کرامت پردازیم.

هدف از این موضوع: تقویت طبع بزرگ منشانه، خیرخواهی، و بلندی همت مخاطب است.

جلسه اول: مرد نصف سیل و زن یک لنگه گوشواره!

موضوع! کرامت چیست و ضرورت آن چگونه است؟

اهمیت

خلاصه عناوین سر فصل:

- ۱- خداوند اهل کرامت است، و اکرم الکرماء می باشد.
- ۲- به فرموده قرآن، پیامبر ما کریم است و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) نیز اینگونه بوده اند.
- ۳- خدا کریمان را دوست دارد.
- ۴- همنشینی با اهل کرامت بسیار بسیار ارزشمند است و امام علی (علیه السلام) فرمود: از به دست آوردن گوهری نفیس و گران بهاء برایم بهتر و شادمان بخش تر است.
- ۵- ارمغان دشمنی با فرد کریم، کم زیان تر از دوستی با لئیم و پست است. ۱۷۵۵۲، ۱۷۵۵۴

توضیح سر فصل:

مقدمه:

تصور می‌کنیم که ما از دین و دین داری داریم: اگر تصویری فردی است، که هیچ ارتباطی با جامعه و اقتصاد و فرهنگ و سیاست نباید داشته باشد، نگاهی کاملاً اشتباه است! آیا اینکه بعضی در تعریف و تمجید یک نفر می‌گویند «فلانی سرش در لاک خودش است» عبارتی درست است؟

دین مجموعه ای است که مهمترین قطعات آن، اجتماعی است. نماز، روزه، حتی نماز شب، وقتی کامل و مورد قبول و پذیرش است که نسبت آن فرد با جامعه مشخص شود (بماند که یک سری از احکام ۱۰٪ اجتماعی می‌باشند. مانند امر به معروف، صدقه، نماز جماعت و جمعه و...).

صحیح بودن یک عمل فردی یک چیز است اما مقبول بودن آن یک مطلب دیگر.

چرا در قرآن خداوند بارها نماز و زکات را کنار هم آورده؟ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳ بقره)

پیام استفاده از افعال جمع چیست؟ (اقیموا، و ارکعوا مع الراكعين). آیا نمی‌خواهد این را بگوید که رابطه‌ی با خدا وقتی تکمیل است که تکلیف رابطه با مردم و جامعه (مخصوصاً ذوی الحقوق مثل فقراء و خدمت به خلق) مشخص شود. گویا خداوند دائماً می‌خواهد به ما جامعه و مسئولیت اجتماعی ما را به نسبت یادآوری کند.

۲۷ بار در قرآن نماز (به عنوان نماد عبادات) و زکات (به عنوان نماد توجه به مردم و محرومین و توجه به خدمت رسانی) کنار هم آمده. آیا این پیام ندارد؟ اگر قبولی همه عبادات در گروه نماز است، پذیرش نماز هم در گروه زکات و حقوق مردم است.^۳

به تعبیر حاج اقا قرائتی اصل نماز به جماعت خواندن است، نماز فردی در حال اضطرار و استثناء باید باشد. شاید بتوان گفت اصل فرمان نماز، با جماعت است. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه‌نشینی است. «وَأَرْكُعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ»^۴

اگر نماز (که یک اصل در دین ما است و سایر عبادت‌ها باید با آن سنجیده شوند) یک عبادت فردی است و جماعت مسلمین اهمیت ندارند و نمازگزار تکالیفی نسبت به اجتماع ندارد، پس چرا فعل‌های نماز به صورت جمع آمده؟ نعبد- نستعین- اهدانا- السلام علینا و... چه پیام و درسی در آن نهفته است؟

اما نسب به اهل بیت (علیهم السلام):

در زیارات وارث، و در زیارت امام رضا و تقریباً همه‌ی زیارات ائمه معصومین بند ثابتی وجود دارد قریب به این عبارت «اشهد انک قد اقمت الصلاه و اتیت الزکاه و امرت بالمعروف و... و جاهدت فی الله حق جهاده» آیا این اهمیت ارتباط ما با سایر افراد را نمی‌رساند؟

^۲ نماد یعنی چه؟ گاهی به جای اینکه تمامی دانش آموزان یک کلاس را صدا بزنند یک چیزی قراردادی را به عنوان نماد و الگو قرار میدهند که حکایت از تمامی آنها دارد. مثلاً می‌گویند دانش آموزان خانم معلم رحمتی. یا رنگ خاصی را نماد سادات قرار می‌دهند. یا نماد ساختمانی یک شهر (مثل حرم، برج میلاد و...) را به عنوان نماد آن شهر قرار میدهند. به جای آنکه خدا تمام عبادات را نام ببرد، نماز را به عنوان گل سر سبد آنها نام می‌برد. یا به جای اینکه تمام حقوق دیگران در زندگی را نام ببرد، زکات را نماد قرار می‌دهد.

برخی از نمادها جهت آشنایی:

در کشور ما چادر به عنوان نماد حجاب برتر و در کشورهای غربی روسری نماد اسلام است. از آنجا که در اصطلاح قرآنی، راست، مظهر حق و چپ، سمبل باطل است، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب این سؤال که چرا در تشهد پای راست روی چپ قرار داده می‌شود، فرمود: تأویلش این است که: خدایا باطل را بمیران و حق را بر پای دار. «پرتوی از اسرار نماز / ص: ۱۸۶»

طواف دور خانه خدا معنا دارد، یعنی نباید دور شرق و غرب بگردیم فقط باید دور کعبه گشت که محور طواف و سمبل و نماد توحید است. حج / ص: ۶۵

نماز، برترین نماد یاد خدا و نماد بندگی است (تفسیر آیات برگزیده/ ص ۹۹) (قربانی عید قربان نماد تسلیم خدا بودن و بریدن از وابستگی‌ها)

^۳ مانند احکام غصب در آب وضو، مکان غیر غصبی نماز، دادن وجوهات (خمس و زکات)، توجه به احکام پدر و مادر در نماز، احکام نماز زن و شوهر نسبت به هم، لزوم پرداخت دین رسیده حتی در وسط نماز که طلبکار بدهی خود را مطالبه کند و...

^۴ تفسیر نور / ج ۱ / ص: ۱۰۴

نماز بدون زکات (بدون توجه به حقوق دیگران و ساماندهی ارتباط فرد مسلمان با آنها) مثل زنی است که یک لنگه گوشواره ندارد! بقول استاد قرائتی چنین زنی اصلاً خودش عروسی نمی‌رود! یا مثل مردی که موقع زدن سبیل برق رفته! این فرد اصلاً روی رفتن به بیرون را ندارد! دقیقاً مثل نماز بدون زکات که گویا یک چیز کم دارد.

اهمیت کرامت و ضرورت این موضوع

کرامت یعنی روی کره خاکی من تنها زندگی نمی‌کنم! من نسبت به اطرافیانم و دیگران وظایفی دارم از جنس بزرگ منشی و بزرگواری که سعی می‌کنم آنها را بیاموزم و آنگونه سخن بگویم، ببینم، حرکت کنم و زندگی کنم.

زندگی و منش کریمانه است که کیفیت ارتباط انسان با اجتماع و اطراف خود را ساماندهی و تنظیم میکند است. اصولاً کرامت درباره فردی که دور از اجتماع و به تنهایی زندگی می‌کند، اصلاً معنی نمی‌دهد! زیرا کرامت در تعامل با دیگران، معنا پیدا می‌کند.

یادآوری این نکته ضروری است که کرامت فقط به معنای بخشش و بذل مال نیست. بلکه معنایی بسیار فراتر از آن دارد. کرامت در حقیقت آداب و روشی است که رفتار بزرگ منشانه با اطرافیان را در ما نهادینه و طبع و همت افراد را بلند می‌کند.

همت بلند دار که مردان روزگار با همت بلند به جایی رسیده اند

الف) کرامت در آستان الهی:

۱- خدا دارای صفات فراوانی است اما در قرآن مهمترین و کلیدی ترین هایش بیان شده. صفاتی که لازم است درباره آنها تفکر کنیم و درس بگیریم و بکار بندیم. مانند کریم که ریشه آن کرامت است.

فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰ / نمل)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶ / انفطار)

زمانی که یوسف علیه السلام به سلطنت مصر رسید، جبرئیل نزد او رفت. در این هنگام جوانی که در آشپزخانه کار می‌کرد از دور آمد.

جبرئیل گفت: یوسف! آیا این جوان را شناختی؟

یوسف علیه السلام گفت: نه!

جبرئیل علیه السلام گفت: او همان بچه ای است که در گهواره به پاکدامنی تو شهادت داد.

^۵ -یوسف وقتی خود را تنها دید که چگونه زلیخا از او نافرمانی خدا و بی عفتی را می‌طلبد، فوراً از خدا کمک خواست و گفت: خدایا مرا از دست این زن وسوسه انگیز نجات ده و آنگاه پا به فرار گذاشت. درها یکی پس از دیگری به قدرت خدا باز شد. وقتی که

یوسف او را احضار کرد و به او احترام گذاشت و خلعت داد و شغلش را ارتقا داد.

جبرئیل تبسمی کرد و گفت:

ای یوسف! مخلوقی در گهواره بدون اختیار به پاکدامنی تو شهادت داد، تو این طور (کریمانه و با کرامت برخورد کردی و)
تلافی نمودی، نمی دانم خداوند با مؤمن چه می کند، کسی که شهادت به یگانگی خدا می دهد و یک عمر بگوید: اشهد ان لا
اله الا الله.^۶

(ب) کرامت در سیره پیامبر و اهل بیت :

به فرموده قرآن، پیامبر ما کریم است و و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) نیز اینگونه بوده اند.

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (حاقه/۴۰ تکویر/۱۹)

امام علی علیه السلام: من از آشنا شدن با شخص بزرگوار (بمعرفه الکریم) به مراتب شادتر میشوم تا به دست آوردن گوهری
نفیس و گران بهاء (علی الجواهر النفیس الغالی الثمن)
برای به دست آوردن یک کاسه آش، قطع نشدن یارانه و... با تمام کم ارزشی اش چقدر حرص می زنیم؟ امیر المومنین علیه
السلام) برای زندگی کریمانه و هم نشینی با اهل کرامت (به عنوان یکی از عوامل موثر در کسب و تقویت روحیه ی کریمانه)
تقلا دارند.

به کارم گیر افتاده خودت مشگل گشایی کن	در این دریای طوفانی دوباره ناخدایی کن
اجابت با دعای توست، عنایت در عطای توست	کرامت با خدای توست، خدایی کن خدایی کن
سلام من به سقاخانه هایت، کفش کن هایت	به شوق گنبدت رنگ نگاهم را طلایی کن
کبوتر بچه قلبم پر پرواز میخواید	کمی گندم بیاور باز هم ما را هوایی کن
تویی مشهور شرق و غرب در آقایی و احسان	به جان مادرت زهرا، علی موسی الرضایی کن
تو هشت و چهار هستی در عبایت پنج تن پیدا	دلم شش گوشه میخواید مرا هم کربلایی کن

می خواست از در هفتم بیرون بیاید زلیخا پشت سر او رسید و پیراهنش را گرفت یوسف می خواست فرار کند، ولی زلیخا نمی گذاشت.
در همان موقع پیراهن یوسف از پشت پاره شد. اتفاقاً عزیز مصر آنها را دید و گفت: چه خبر شده است؟ زلیخا به شوهر خود جواب
داد: یوسف درباره ی من قصد بد داشت! همه چیز بر علیه یوسف به نفع زلیخا همسر دربار بود. اما در آن محلی که آنها با هم گفت
و گو می کردند. گهواره یک بچه شیرخواره بود. حضرت یوسف گفت که از این طفل بپرسید که چه کسی گناهکار است؟ رفتند نزد
گهواره بچه و از او سؤال کردند. بچه به امر خدا شروع به صحبت کرد و گفت: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده است حق با زلیخا
می باشد و اگر پیراهن یوسف از عقب پاره شده باشد حق با یوسف است. همه دیدند که پیراهن یوسف از عقب پاره شده است. زلیخا
و عزیز مصر با ناراحتی یوسف را رها کردند .